

بسم الله الرحمن الرحيم



درس شانزدهم: پرنده آزادی، کودکان سنگ

مهم ترین کار یک خواننده، به هنگام خواندن شعر، ترکیب لحن ها با یکدیگر است؛ به گونه ای که آهنگ کلی شعر از آغاز تا پایان حفظ شود. در سروده، زیر لحن های حماسی، عاطفی و توصیفی در هم آمیخته شده اند شعری برای (محمد الدّوره)، نوجوان فلسطینی که در سال ۱۳۷۸ ه. ش (۲۰۰۰ میلادی) بر اثر هجوم بی رحمانه نیروهای اشغالگر اسرائیل در آغوش پدرش به شهادت رسید.

پرنده آزادی

محمد در آغوش پدرش چونان پرنده ای بیمناک آشیان دارد، از بیم دوزخ آسمان.
-آه ای پدر، پنهانم کن، پنهان
بال های من در برابر این توفان ناتوان است، ناتوان
در برابر این تیرگی و آنها که در بالا در پروازند.
محمد در بغل پدرش مثل پرنده ای ترسناک (از ترس آتش هواپیماهای دشمن که از آسمان فرو می ریزد) لانه دارد،
آه ای پدر، مرا بپوشان؛ بال های من در برابر این صدای ترسناک، در برابر این تاریکی سایه هواپیماهای جنگنده اسرائیلی که آن بالا پرواز می کنند، طاقت ندارد.

محمد فرشته بی پناهی است، نزدیک به تفنگ صیّادی سنگدل، او در سایه خود تنهاست
چهره روشن است، چونان خورشید
قلبش سرخ و روشن است، چونان سیب
صیّادش می تواند به شکارش دیگر گونه ببیند؛ با خود بگوید:
(اکنون او را رها می کنم، تا آنگاه که بتواند فلسطیش را بی غلط تلفظ کند... و فردا چون سرکشی کند، شکارش می کنم...)
محمد پرنده بی آشیانه ای است که به تفنگ شکارچی بی رحمی نزدیک است. او کاملاً بی پناه و تنهاست. صورتش همانند خورشید روشن است، قلبش مانند سیب قرمز و روشن است. شکارچی می تواند به این شکار کوچک جور دیگری نگاه کند؛ با خود بگوید: حالا به او کاری نداشته باشم، تا وقتی که بتواند واژه فلسطین را بدون غلط تلفظ کند و اگر در آینده نافرمانی کرد، صیدش کنم
(محمد الدّوره)

خونی است که از بعثت پیامبران جوشیده است پس ای محمد، صعود کن! صعود کن تا سدره المنتهی!
(محمد الدّوره) خونی است که زمان برانگیخته شدن پیامبران جوشیده است. پس ای محمد بالا بیا! بالا بیا تا به آخرین درجه

برسی!

محمود درویش، شاعر فلسطینی

کودکان سنگ

دنیا را خیره کردند با آنکه در دستانشان جز سنگ نبود چونان مشعل‌ها درخشیدند و چونان بشارت از راه رسیدند
ایستادگی کردند، خروشیدند و شهید شدند.
آه، ای لشکریان خیانت‌ها و مزدوری‌ها!
هر قدر هم که تاریخ درنگ کند
به زودی، کودکان سنگ، ویران‌تان خواهند کرد!
ای دانش‌آموزان غزه! به ما بیاموزید؛ که چگونه سنگ در دستان کودکان، حماسه می‌آفریند؟
ای فرزندان غزه!
با تمام توانتان بتازید و در راهتان استوار بمانید
درگستره نبردهاتان پیش بروید.
ای دوستان کوچک ما، سلام!
برای چیدن زیتون مهیا باشید! در لحظه‌هایی که درختان زیتون، بارور می‌شوند و وطنی زاده می‌شود در چشم‌ها و افقی دیگر
نمایان، چهره قدس، درخشان و رخساره فلسطین پر فروغ و تابان می‌شود.
دنیا را شگفت زده کردند، با اینکه در دست‌هایش به غیر از سنگ هیچ چیز دیگری نبود مثل چراغدان‌ها درخشیدند و مثل
مژدگانی از راه رسیدند و استقامت کردند و فریاد زدند و شهید شدند.
آه، ای سپاه خائن گماشته شده! هر چقدر هم که زمان صبر و تامل کند، به زودی بچه‌های فلسطین سنگ بارانتان می‌کنند و
نابود می‌شوید. ای دانش‌آموزان غزه! به ما یاد بدهید که چگونه سنگ در دست‌های کودکان، شجاعت خلق می‌کند؟
ای فرزندان غزه! با تمام قدرتان با دشمن بجنگید و در راهتان محکم بمانید و در میدان نبرد‌ها جلو بروید. ای دوستان کوچک ما،
برای زندگی در صلح و صفا آماده باشید! وقتی که درختان زیتون به ثمر می‌نشینند ملتی به دنیا می‌آید و کره‌ای دیگر آشکار می
شود. چهره قدس و فلسطین روشن و نورانی می‌شود.

نزار قَبّانی، ترجمه: عبدالرضا رضایی نیا، با اندکی تغییر و کاهش



۱) در بند اول شعر پرنده آزادی، تشبیه‌ها را بیابید.

بند اول شعر پرنده آزادی = تشبیه محمد به پرنده‌ای بیمناک

بند اول شعر کودکان سنگ = تشبیه کودکان فلسطینی به مشعل _ تشبیه کودکان فلسطینی به مژده و بشارت

۲) منظور شاعر از (کودکان سنگ) چیست؟

کودکانی که در فلسطین برای دفاع از خود و کشور خود سلاحی به جز سنگ ندارند و با پرتاب سنگ از خود دفاع می‌کنند.

۳) نوجوانان فلسطینی برای آزادی سرزمین خود، چه کارهایی می‌کنند؟

آن‌ها راه گذشتگان خود را دنبال می‌کنند و ایمان و اعتقاد خود را تقویت کرده و در کنار و دوشادوش بزرگترهای خود با اشغالگران مبارزه می‌کنند و در این راه از هیچ تلاشی دست نمی‌کشند.

* پدر نیما کتاب را از فلان مغازه خرید.

* زینب، چند مجله از دوستش گرفت.

در گروه های اسمی (فلان مغازه) و (چند مجله) دو وابسته پیشین (فلان) و (چند) دیده می شود؛ این واژگان، (صفت مبهم) نامیده می شوند؛ زیرا از نوع، چگونگی، شمار و مقدار اسم را به طور نامعین نشان می دهند. صفت مبهم پیش از اسم (هسته) می آید و وابسته پیشین از محسوب می شود.



۱) درباره (ادبیات پایداری) تحقیق کنید و نتیجه آن را در کلاس مطرح کنید.

۲) با راهنمایی معلم خود، درباره نماد سرزمین فلسطین تحقیق کنید و حاصل آن را در کلاس ارائه دهید.



۱) پیشوند (ب) را به ابتدای فعل های زیر بیفزایید و شکل تغییر یافته آنها را بنویسید

* آمد = بیامد

* افروخته است = بیفروخته است

* افکنده بودند = بیفکنده بودند

۲) در هر یک از جمله های زیر، گروه های اسمی را بیابید و هسته، وابسته ها و نوع هر یک را مشخص کنید.

* هر سخن ارزشمند را پاس بدار. سخن: هسته _ ارزشمند: وابسته پسین؛ صفت بیانی

* هر روز، یک شعر زیبا بخوان. شعر: هسته _ زیبا: وابسته پسین؛ صفت بیانی

* دانش آموزان، چند درخت کاشتند. درخت: هسته _ چند: وابسته پیشین؛ صفت مبهم

۳) درک و دریافت خود را از این بخش شعر (کودکان سنگ) بنویسید.

((وطنی زاده میشود در چشم ها و افقی دیگر، نمایان...))

دنيا تولد ملتى ديگر را مى بيند و قدرت مظلومان آشكار مى شود.

هنگام افزودن پیشوند (ب) به فعل هایی که با همزه (ء) شروع می شوند، املاي کلمه تغيير می کند؛ و (ی) جایگزین همزه می شود؛

مانند:

اندیشد => بیندیشد

افتاد => بیفتاد

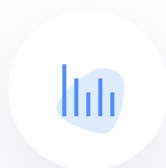
انداخت => بینداخت





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد